

ژئوپولیتیک نوین اروپا و تاثیر آن بر روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران (با تاکید بر دوران پس از جنگ سرد و شکل گیری اتحادیه اروپا)

دکتر عبدالرضا فرجی راد^۱، نرگس قاسمی^۲

۱- استادیار ژئوپولیتیک دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده:

اتحادیه اروپا پستی و بلندی‌های زیادی را در راه همگرایی پشت سر گذارده و فارغ از بن‌بستی که هم‌اکنون در آن گرفتار شده، می‌توان آن را موفق‌ترین پروژه همگرایی منطقه‌ای در دنیا دانست. از نتایج این همگرایی شکل گیری یک سیاست خارجی واحد بوده است که تقریباً در مقابل دیگر کشورها و مناطق دنیا بدان عمل می‌کنند. از زمان شکل گیری اتحادیه اروپا، جمهوری اسلامی ایران بجای یک کشور می‌بایستی با یک سیاست متحده از سوی مجموعه اعضای اتحادیه روبرو می‌گشت، که شدیداً بر روابط ایران و اروپا تاثیر می‌گذارد. در این پژوهش به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که از زمان شکل گیری اتحادیه روابط جمهوری اسلامی با اتحادیه چگونه بوده و سپس چه عوامل ژئوپولیتیکی بر این روابط تاثیر گذار است. واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، ژئوپولیتیک، جمهوری اسلامی ایران، روابط خارجی

مقدمه:

روابط ایران با اروپا با فراز و نشیب بسیار همراه بوده و متغیرهای گوناگون داخلی، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی همواره در این روابط دوجانبه نقش داشته است. پس از جنگ جهانی دوم و تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب روابط ایران با کشورهای اروپایی غربی بیشتر در حوزه های اقتصادی تعریف شد و ایران بعنوان کشوری متعلق به اردوگاه غرب، روابط خوبی با کشورهای اروپایی داشت. این رابطه از لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی مطلوب اما در مواردی همچون مسئله حقوق بشر فشارهای بعضی از کشورهای اروپایی باعث دلخوری رژیم شاه می‌گردید. ضمن این که ایران سعی می‌کرد روابط خود را با اردوگاه شرق و بویژه کشورهای اروپای شرقی گرم نگه دارد. نمونه آن توسعه روابط با کشورهایی همچون رومانی، یوگسلاوی و بلغارستان بود که از نظر اقتصادی و سیاسی قابل توجه بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی عوامل مختلفی بر این روابط تاثیر گذاشت. اشغال سفارت آمریکا، درگیری سفارتخانه ها بویژه در پاریس و لندن، جنگ عراق با ایران، فتوای قتل سلمان رشدی، کشته شدن مخالفین ایرانی در اروپا، مسئله هسته ای، فلسطین، هلوکاست و... از جمله عوامل اثر گذار به شمار می روند.

هر چه شکل گیری اتحادیه اروپا جدی تر می شد و همبستگی بین کشورهای اروپایی بیشتر می گردید، روابط کشورهای اروپایی با جمهوری اسلامی ایران از انعطاف کمتری برخوردار می شد و اروپا بجای انفرادی و محلی کار کردن بصورت متحد سیاست های خود را در قبال جمهوری اسلامی ایران به انجام می رساند. هرچند که بایستی این مسئله را از نظر دور نداشت که دولت های مختلف در ایران بر روابط ایران و کشورهای اروپایی و میزان روابط دو طرف تاثیر گذر بودند. در زمان دولت موقت، دولت ۸ ساله دفاع مقدس، دوران سازندگی، دوره اصلاحات و بالاخره دولت فعلی روابط با اروپا با غراز و نشیب همراه بود و هر کدام از این دولت ها با نگاه خود به رابطه با اروپا می نگریستند. در حال حاضر با تحریم های شورای امنیت سازمان ملل بر علیه جمهوری اسلامی ایران و افزایش تحریم ها توسط اتحادیه رابطه ایران و اروپا در شرایطی قرار گرفته که به ناچار سطح روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به حداقل خود در طول دوره سی و سه ساله جمهوری اسلامی ایران رسیده است. سرمایه گذاری های اروپایی بویژه در بخش نفت و گاز کاملاً قطع گردیده و در سطح مقامات نیز رفت و آمدی صورت نمی گیرد. شناسایی و ارزیابی سطح روابط میان ایران و اروپا، حوزه های منافع مشترک و نیز اختلاف نظرهای میان دو طرف بویژه پس از تغییرات نوین ژئوپولیتیکی اروپا که منجر به تشکیل اتحادیه اروپا گردیده یک ضرورت است. در این بخش ضمن اشاره به چگونگی شکل گیری اتحادیه اروپایی و تاثیرات تدریجی آن بر روابط با ایران عوامل ژئوپولیتیک تاثیر گذار در این روابط مورد ارزیابی قرار می گیرد.

پژوهش های گوناگونی در قالب کتاب، پایان نامه، مقاله و گزارش در زمینه روابط ایران و اروپا صورت پذیرفته است. در اکثر این تحقیقات از سابقه طولانی روابط و همکاری در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و صنعتی سخن گفته شده و همچنین به اختلاف نظرهای سیاسی طرفین در پاره ای موضوعات اشاره گردیده است. از سویی دیگر تمایلو طرف به استمرار روابط و موانع شکل گیری آن، مورد توجه این پژوهش ها بوده است. عزیزیان در پژوهشی با عنوان «وحدت اروپا در تئوری و عمل (۱۹۹۰-۱۹۷۰)» به بررسی تاریخی، توصیفی و مقطعی اندیشه «اتحاد اروپا» در فاصله سال های ۱۹۷۰ تا پایان سال ۱۹۹۰ میلادی پرداخته است.

فلاحی (۱۳۸۲) در کتاب اروپا ۲ (ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا) می نویسد جمهوری اسلامی ایران، علی رغم منافع اختلاف زایی که با اتحادیه اروپا بر سر صلح خاورمیانه، حقوق بشر، سلاح های کشتار جمعی و تروریسم دارد، منافع مشترکی نیز در قالب انرژی، سرمایه گذاری، مسئله مهاجران/ پناهندگان و مواد مخدر تعریف نموده است. مسائلی دیگر از جمله بحران های منطقه ای همچون «بحران افغانستان، عراق و...» در قالب منافع موازی تعریف می گردد که هر دو ویژگی همکاری و رقابت را میان دو بازیگر در برمی گیرد. این کتاب که دربرگیرنده ۸ مقاله پژوهشی می باشد: تلاش دارد تا حتی الامکان، دغدغه ها و حیطه های متفاوتی در ابعاد امنیتی، بازرگانی و حقوق بشر ترسیم نماید. ذاکریان امیری (۱۳۸۷)، در تحقیقی تحت عنوان «مبانی نظری و عملی بهبود روابط جمهوری اسلامی ایران با اروپای متحد از سال ۱۹۸۹ به بعد» در پی کشف موانع و دلایل اصلی بحران های بوجود آمده در روابط جمهوری

اسلامی ایران و اتحادیه اروپا طی سال های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴ می باشد. دهشمار (۱۳۸۳)، در کتاب اروپا ۳ (ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا) به مسئله «روابط ایران و اتحادیه اروپایی» پرداخته است. از آن جایی که نقش و جایگاه اتحادیه اروپایی در نظام بین المللی، همچنین نقش و جایگاه منطقه ای و راهبردی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت های متقابلی را برای برقراری یک رابطه ی تقویت شده بین دو طرف ایجاد می کند و بر اهمیت موضوع می افزاید، بنابراین نگاهی دقیق به سیر تحولات روابط دو طرف و پی بردن به نقاط مثبت و منفی می تواند راهگشای سیاست گذاران و برنامه ریزان سیاست خارجی کشور با توجه به تغییرات ژئوپولیتیک اروپا و ایران، باشد.

ضرورت و اهداف تحقیق:

نگاهی تحلیلی به روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا و کنار هم قرار دادن سیاست های دولت های طرفین در این خصوص نشان می دهد که این روابط، به دلایل مختلف شکننده است و گاه با روند کاهشی همراه بوده است. با ارزیابی این روابط بویژه با پایان جنگ سرد و تشکیل اتحادیه اروپا می توان گفت که این روابط بر اساس یک آهنگ منظم پیشرفت نکرده و با کندی و گاه توقف روبرو بوده است. اختلاف نظر بین ایران و اتحادیه اروپا در سه دهه اخیر بر سر مسائل و مختلفی که ذکر شد. هر یک از این اختلافات می تواند به تنهایی مانع از پیشرفت سطح این روابط باشد، چه رسد به آن که مجموعه ای از این عوامل در سالیان اخیر روابط طرفین را تحت تاثیر قرار داده است. در این میان نوع دولت هایی که در ایران و یا در کشورهای بزرگ اتحادیه اروپا بر سر کار آمده اند نیز بر روند روابط فیمابین تاثیر گذارده اند. مقایسه عملکرد این دولت ها در ایران بخشی از این پژوهش است. در کشور ایران همواره کارشناسان به سه دیدگاه مثبت، منفی و واقع گرایانه نسبت به روابط ایران و اروپا نگریسته اند اما از آن جایی که حفظ ارتباط با اتحادیه اروپایی برآیندی از ضرورت ها، محدودیت ها و مقدرات طراحی صحنه سیاست خارجی است، ضرورت دارد که سیر تحولات این روابط بویژه با پایان جنگ سرد و تشکیل اتحادیه اروپا مورد بررسی دقیق قرار گیرد، تا در پس آن بتوان با ترسیم چشم اندازی روشن راهکارهایی در جهت بهبود این روابط و ارتقای سطح آن همچنین رفع سوء تفاهمات موجود ارائه کرد. تحقیقات موجود هر یک بخش هایی از موضوعات مطروحه میان ایران و اروپا را مورد نقد و بررسی قرار داده اند، اما هیچ یک روابط ایران و اتحادیه اروپا را با نگاه ویژه پس از تغییرات ژئوپولیتیکی نوینی که منجر به تشکیل اتحادیه اروپا گردید مورد مطالعه قرار نداده اند. بنابراین بررسی این نکته مهمترین زمینه ی انجام تحقیق حاضر است. سئوالات و فرضیه های تحقیق حاضر عبارتند از:

سئوال اول: از زمان شکل گیری اتحادیه اروپا روابط جمهوری اسلامی ایران با این اتحادیه در زمینه سیاسی چگونه بوده است؟

سئوال دوم: مهمترین عوامل موثر بر تغییرات سطح روابط ایران و اروپا بویژه در سه دهه اخیر کدامند؟

فرضیه اول: به نظر می رسد از زمان شکل گیری اتحادیه اروپا روابط جمهوری اسلامی در زمینه ی سیاسی با این اتحادیه از حساسیت بیشتری برخوردار گردیده و به همین دلیل فراز و نشیب بیشتری را در این روابط شاهد هستیم.

فرضیه دوم: به نظر می رسد منازعه بر سر گسترش سلاح های کشتار جمعی، ادعاهای اتحادیه اروپا مبنی بر دخالت در کشورهای منطقه توسط ایران، حقوق بشر و صلح اعراب و اسرائیل مهمترین عوامل اختلاف دو طرف به حساب می آیند.

تشکیل اتحادیه اروپا و شکل گیری ژئوپولیتیک نوین اروپایی:

با نگاهی به پیشینه اتحادیه های بشری در طول تاریخ، این واقعیت به دست می آید که همواره اتحادها در سایه «منافع مشترک» شکل گرفته است و این منافع مشترک می توانسته اقتصادی، دفاعی، سیاسی یا فرهنگی و اعتقادی باشد. در دنیای امروز تمایل برای ایجاد اتحادیه های گوناگون بیشتر شده است (پورهاشمی، پگاه حوزه، ش ۱۷۴).

همگرایی ها در سطوح مختلف محلی، منطقه ای و جهانی براساس ضرورت ها و نیازها صورت می گیرد. تجربه همگرایی منطقه ای اروپا، سبب شد که گرایش به توسعه همکاری های منطقه ای و بهره گیری از مزایای آن در میان کشورهای جهان گسترش یابد. ایجاد سازمان همکاری های جنوب شرق آسیا آسه آن در سال ۱۹۶۷، توافقنامه تجارت آزاد آمریکایی شمالی^۱ در اکتبر ۱۹۹۲، بازار مشترک آمریکای لاتین^۲ مرکوسور و سازمان همکاری های شانگهای^۳ در سال ۱۹۹۰ با توجه به این تجربه شکل گرفت. موقعیت خاص ژئوپولیتیک کشورهای اروپایی بر ضرورت و اهمیت تشکیل چنین اتحادیه ای می افزاید. اولین پیمان در راستای تشکیل اروپای واحد و تغییر ژئوپولیتیک آن در دهه ۱۹۵۰ بین دولت های اروپایی منعقد شد، معاهده ی پاریس بود و منجر به ایجاد «جامعه اروپایی ذغال سنگ و فولاد» میان شش کشور اروپایی شد (زنگنه، ۱۳۸۹، ص ۱۱). هدف از تأسیس جامعه ی اروپا انطباق و هماهنگی میان کشورهای عضو، گرفتن تصمیم در زمینه ی همکاری های مشترک از حیث اقتصادی و صنعتی همچون: زغال، فولاد و امور اتمی و همچنین حذف تعرفه ها و سهمیه های داخلی است که تماماً تحت حمایت و نظارت «دادگاه عالی اروپایی» قرار دارند. حاکمیت آن نیز در حوزه ی کشورهای اروپایی است که قراردادهای دوجانبه یا چند جانبه درباره ی موضوعات اشاره شده را منعقد ساخته و اجرا کرده اند. با این وجود، اغلب تصمیم های جامعه ی اروپا، درباره ی مسائل اقتصادی بوده است (وارندورف، ۱۳۷۰، ص ۱۷۰). در تعقیب اهداف جامعه ی اروپا، پیش بینی شد که در سال ۱۹۶۹ م موانع تعرفه ای میان کشورهای عضو حذف شود و در مقابل برای کشورهای غیر عضو، تعرفه های مشترکی قرارداد شده. این موارد یک سال زودتر و در ژوئیه ی ۱۹۶۸ م، حاصل شد. با عضویت انگلستان، ایرلند و دانمارک در سال ۱۹۷۳ م، تعداد اعضا از ۶ عضو به ۹ عضو افزایش یافت. بدین ترتیب، وسعت و گسترش جامعه ی اروپا بیشتر شد و یک گام برای وحدت به جلو نهاد. در همین سال، دولت دانمارک سران و رؤسای کشورهای عضو را برای برگزاری کنفرانس نوامبر ۱۹۷۳ م دعوت کرده بود. اما بروز جنگ اعراب و اسرائیل در اکتبر همین سال، ضربه ی بزرگی به اتفاق آرا و جو مناسب فراهم شده، وارد آورد. با این وجود، کنفرانس قطعنامه ی مهمی ارائه داد که ناظر

^۱ - ASEAN

^۲ - NAFTA

^۳ - MERCOSUR

^۴ - Shanghai

به همکاری های بیشتر در سطح منطقه‌ای، بویژه تشکیل گردهمایی های بیشتر و فرا منطقه‌ای اعم از ژاپن، آمریکا و کانادا، و توسعه ی روابط با آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین بود، که مورد اخیر، به انعقاد کنوانسیون لومه ۳ در سال ۱۹۷۵م انجامید.

در زمینه ی توسعه ی همکاری های منطقه‌ای، با تلاش و همت ژان مونه^۱ و با جلب توافق ژیسکاردستن و هلموت اشمیت و پس از جلب حمایت رؤسای دیگر کشورها، بنیان شورای اروپا در دسامبر ۱۹۷۴م ریخته و تصمیم گرفته شد تا رؤسای کشورهای عضو، حداقل ۳ بار در سال گردهم آیند. از سال ۱۹۸۵م به بعد، مقرر شد تا به ۲ جلسه در سال (هر ۶ ماه یک بار) بسنده کنند. همچنین طبق عهدنامه رم، اعلام شد که برای همه ی مسائل مطروحه، اتفاق آرا ضرورت ندارد. به علاوه، مقرر شد تا اعضای پارلمان اروپا از سال ۱۹۷۸م، با رأی مستقیم مردم انتخاب شوند. از گام های بسیار مؤثری که برای وحدت اروپا برداشته شد، سیستم واحد مالی اروپا و تعیین واحد اروپایی، «اکو» برای محاسبات داخلی بود که در سال ۱۹۷۹م با همراهی و همکاری هلموت اشمیت صدراعظم آلمان غربی، والرئ ژیسکاردستن رییس جمهور فرانسه و روی جنکیز رییس کمیسیون اروپا، سیستم پولی اروپا پایه گذاری شد. هدف از آن، به کار گرفتن مکانیسمی از نرخ تبادل ارز برای کنترل نوسانات ارزی، از راه مرتبط ساختن ارز کشورهای عضو به ارز جدید جامعه ی اروپا بود (قاسمی، ۱۳۷۱، ص ۶). با پیوستن یونان در سال ۱۹۸۱م و پرتغال و اسپانیا در سال ۱۹۸۶م، تعداد اعضا به ۱۲ کشور رسید. با این احتساب، جامعه ی اروپا نقش فعال و سازنده تری در عرصه ی روابط بین الملل به دست آورد، بخصوص تشکیل کنفرانس های سران در طول سال های ۱۹۷۲م تا ۱۹۹۲م، به اتخاذ یک سیاست خارجی مشترک انجامید که از آن جمله می توان به حمایت از حقوق بشر، دفاع از آزادی و دموکراسی، مبارزه با تروریسم بین الملل و ارائه طرح های دفاعی اشاره کرد. به عبارت دیگر دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ برای اتحادیه اروپا از آن رو اهمیت پیدا کرد که با پیوستن اعضای جدید (سال ۱۹۷۳، انگلستان، ۱۹۸۱، دانمارک و ایرلند، ۱۹۸۶، یونان، اسپانیا و پرتغال به اتحادیه پیوستند)، بر جمعیت جامعه اروپا و حجم بازار آن افزوده شد. تحولات این دوره به ویژه، بی ثباتی اقتصادی در نتیجه بر هم خوردن سیستم برتون وودز و بحران انرژی، نیاز به همکاری بیشتر اروپاییان برای اعمال کنترل بیشتر بر آینده خود را بیش از پیش جلوه گر ساخت. به تدریج این اندیشه در میان دولت های اروپایی نضج گرفت که شکل گیری بازار واحد بدون اتحاد پولی و همگرایی مالی کامل امکان پذیر نیست. (ایزدی، ۱۳۸۵، صص ۲۴۹-۲۴۵). با این حال، از آن جا که رواج پول واحد به معنی واگذاری بخشی از حاکمیت بود، این امر از حساسیت خاصی نزد کشورهای اروپایی برخوردار بود. وحدت پولی همچنین برای ایده وحدت اقتصادی نیز مهم و اساسی به شمار می رفت و حرکتی قابل توجه به سمت اتحاد سیاسی نیز محسوب می شد. این مقتضیات زمینه تصویب پیمان ماستریخت را در سال ۱۹۹۱ فراهم کرد. به موجب این پیمان عنوان «اتحادیه اروپا» برای جامعه اروپا برگزیده شد که در واقع نمادی از مراحل بعدی همگرایی اروپایی به شمار می رفت. برای «اتحادیه اروپا» سه رکن در نظر گرفته شد:

(۱) جامعه اروپا به صورت اصلاح شده و تقویت شده

^۱ - Jean Monnet

۲) سیاست خارجی و امنیتی مشترک^۱

۳) امور داخلی و دادگستری. همچنین، به موجب این پیمان، یک جدول زمانی برای ایجاد واحد پولی اروپایی تدوین شد، حوزه مسئولیت های اتحادیه اروپا گسترش یافت، مواردی چون حمایت از مصرف کننده، بهداشت عمومی، حمل و نقل، آموزش و سیاست اجتماعی را مد نظر قرار داد، ترتیباتی برای همکاری بیشتر میان دولت ها در زمینه مهاجرت و پناهندگی، مبارزه با جنایت سازمان یافته قاچاق مواد مخدر، ایجاد کمیته جدید مناطق جهت کمک به نواحی فقیرتر اروپا مقرر گردید، مفهوم «شهروند اروپایی» به وجود آمد که حقوق شهروندان را برای زندگی به نحو دلخواه خود در کشورهای عضو اتحادیه و رای دادن در انتخابات محلی و اروپایی به رسمیت شناخت و سرانجام اختیارات بیشتری در زمینه تصمیم گیری به پارلمان اروپا اعطا شد (همان).

حرکت گام به گام اروپا برای دستیابی به وحدت، بیانگر تمایل دائمی کشورهای عضو اتحادیه اروپا در دستیابی به یک وحدت سیاسی، اقتصادی و پولی واقعی، پایدار و مستحکم است. این امر مرهون اقدامات پیوسته و مشارکت فعال و جدی این کشورها طی بیش از پنجاه سال گذشته، از زمان پیمان رم در سال (۱۹۵۷) تا به امروز، برای دستیابی به یک وحدت نسبی است. اتحادیه اروپا هم اکنون شامل ۲۷ کشور مستقل است، که مجموعاً ایالت های عضو خوانده می شوند با نام اختصاری EU معرفی می گردند.

این اتحادیه به عنوان یکی از بازیگران مهم بین المللی در عرصه اقتصاد، تجارت و سیاست مطرح است. شناخت موقعیت و جایگاهی که اتحادیه برای جمهوری اسلامی ایران قائل است موضوع بسیار مهمی در تدوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، زیرا تلقی درست از این جایگاه در تدوین چگونگی تنظیم سیاست خارجی و روابط با اتحادیه اروپایی موثر است. جهت نیل به این هدف نگاهی هر چند گذرا به روابط ایران و اروپا حداقل در چهارصد سال اخیر ضروری به نظر می رسد.

نگاهی بر رابطه ایران و اروپا از صفویه تا کنون

الف- رابطه ایران و اروپا در عصر صفوی

در سال ۸۸۰ ه. ش (اوایل قرن شانزدهم) که دولت صفوی به وسیله ی شاه اسماعیل تشکیل شد. هنوز پایه های اساسی روابط بین الملل و سیستم کشوری مستقل تکوین نیافته بود. (بهزادی، ۱۳۶۸، ص ۱۰). در این مقطع تاریخی است که اروپا، خود را برای تسلط بر بقیه ی کره ی زمین آماده کرده و شالوده ی یک سیستم جدید در نظام بین الملل ریخته می شود (کندی، ۱۳۷۱، ص ۲۱).

در این برهه از زمان، اروپای متحد وجود نداشت، بلکه اروپا ترکیبی بود از پادشاهی ها، ایلات شاهزاده

نشین، و نیز قلمروهایی با حکومت های ملوک الطوائفی و «دولت - شهرهای» کوچک.

نظام بین الملل در این دوره تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله: جهش های تکنولوژیکی، تحولات صنعتی، نظیر پیدایش کشتی های بادبانی مجهز به توپ های دوربرد، ظهور بازرگانی از همه مهمتر طغیان حس قدرت طلبی و ثروت اندوزی اروپاییان و نیز تکوین دولت های استعمارگر قرار گرفت.

مهمترین این دولت‌ها عبارت بودند از: اسپانیا، پرتغال، انگلستان، فرانسه، هلند، بلژیک، ایتالیا، روسیه، آلمان و تنها کشور غیر اروپایی یعنی ژاپن، امپراتوری‌های مینگ (در چین) و مغول نیز در زمره‌ی بازیگران عرصه‌ی بین‌الملل آن عصر به حساب می‌آمدند (کندی، ۱۳۷۱، ص ۲ و ۳۸).

خطرات ناشی از برتری جویی و توسعه طلبی‌های دولت عثمانی یکی از مسائل عمده و مشترک بین دولت صفوی و اغلب دولت‌های اروپایی بود که موجب نزدیکی آن‌ها به ایران و انعقاد پیمان‌های نظامی و اقتصادی علیه دشمن مشترک (عثمانی) می‌شد (محیط طباطبایی، ۱۳۶۷، ص ۱۷۳). هر یک از دولت‌های اروپایی نیز در پی کسب قدرت و فتح سرزمین‌های گوناگون، با هم درگیر رقابت‌های استعماری شدیدی بودند و گاه در راستای سیاست‌های خود علیه دولت عثمانی نگاهی هم به ایران داشتند. جهت‌گیری سیاست خارجی ایران نسبت به کشورهای اروپایی در عصر صفوی را می‌توان چنین بیان نمود:

دوره‌ی صفویه، دوره‌ی افزایش روابط ایران و اروپا به شمار می‌آید، زیرا که در آن زمان، دول اروپایی گرفتار حملات عثمانی‌ها بودند و این دولت برای آنان خطری بزرگ محسوب می‌شد، لذا دشمنی بین ایران و عثمانی می‌توانست آنان را از خطر مصون دارد و از این رو، روابط با ایران برای آنان جنبه‌ی حیاتی داشت. از سوی دیگر، پیشرفت‌های دریانوردی و بازرگانی دریایی به ممالک مزبور اجازه می‌داد که دریا‌های جهان را جولان‌گاه خویش کرده و قدرت خود را روز افزون سازند. در سایه‌ی این امر، بازرگانی با مشرق زمین، بخصوص حمل ابریشم ایران و ادویه‌ی هندوستان کاری آسان و سودآور محسوب می‌شد و بازرگانان و زمامداران ممالک اروپایی در پی استفاده از این فرصت، کوشش بسیاری نمودند. در همین راستا مسأله‌ی نفوذ سیاسی هم به تدریج مورد توجه زمامداران اروپایی واقع شد که در نتیجه تعداد زیادی از اروپاییان به مثابه بازرگانان، سیاحان و مبلغان مذهبی به ایران آمدند و وجود این اشخاص باعث آشنایی تدریجی ایرانیان با آداب و رسوم و تمدن اروپا شد، به گونه‌ای که می‌توان اذعان نمود «از سال ۱۵۰۴ م (۹۱۰ هـ. ق) تا سال ۱۷۲۲ م (۱۱۳۵ هـ. ق) که مقارن با دوره‌ی پادشاهان صفوی است، کمتر سالی هست که یک تن از اروپاییان در ایران نباشند و کتابی راجع به ایران نوشته باشند» (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰، ص ۲۰).

ب- رابطه ایران و اروپا در عصر افشار و زندیه

سیاست خارجی ایران در دوره‌ی دوازده ساله زمامداری نادرشاه افشار (۱۱۶۰-۱۱۴۸ ق)، تحت الشعاع اقدامات نظامی‌گری او بود و جنگ، بیش از هر وسیله‌ی دیگر، در تحصیل هدف‌های سیاست خارجی، کاربرد داشت. در این دوره، روابط ایران با اروپا به دلیل اوضاع متغیر ناشی از لشکرکشی‌های مداوم، کاهش چشمگیری یافت و روابط تجاری ایران با برخی از دولت‌های اروپایی نظیر انگلستان، روسیه، هلند و فرانسه به روند ضعیف خود ادامه داد (شعبانی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۵۱).

نگرش کریم خان زند نسبت به دولت‌های اروپایی، توأم با شک و تردید و سوءظن بود و این مسأله در جهت‌گیری سیاست خارجی ایران نسبت به کشورهای اروپایی تأثیر گذاشته بود. در دوره‌ی زمامداری وی، روابط سیاسی ایران با اروپا به حداقل خود رسید و دیگر دربار ایران مثل دوره‌ی شاه اسماعیل اول و شاه عباس کبیر محل رفت و آمد سفرا و هیأت‌های دیپلماتیک کشورهای متعدد اروپایی نبود.

سفرای اروپایی در مأموریت های خود به دربار کریم خان، موفقیت چندانی کسب نمی کردند و به طور معمول پیشنهادهای برقراری روابط سیاسی با ایران پاسخ مثبتی به همراه نداشت. (ندایی، ۱۳۵۶، ص ۱۹۳). بطور کلی، در زمان نادرشاه افشار و در حکومت کریم خان زند، این روابط به پایین ترین حد خود تنزل یافت.

ج- رابطه ایران و اروپا در عصر قاجاریه

در دوره قاجاریه، سیاست خارجی ایران، اگر چه تحت تاثیر تحولات نظام بین الملل و رویدادهای خارجی بود، اما در سده نوزدهم، حکومت ایران اطلاع دقیقی از اوضاع اروپا و سیاست جهانی نداشت. با گسترش روابط با غرب و آمدن سفرای خارجی، کم کم سیاستمداران ایران از اوضاع اروپا آگاهی بیشتری یافتند.

در دوره ای که دوره تحول و ترقی در جامعه جهانی و نظام بین المللی بود، پادشاهان ایران از مسائل جهانی نا آگاه بودند و به همان سیاست استبدادی خود افتخار و عمل می کردند، حتی در عرصه روابط بین الملل و تصمیم های کلان هم این شاه بود که امور مختلفی همچون روابط دیپلماتیک و انعقاد قراردادها را انجام می داد. چون سیاست خارجی از امتیازهای ویژه مقام سلطنت بود و پادشاهان قاجار از جمله ناصرالدین شاه این امتیاز را از دست ندادند (اتحادیه، ۱۳۵۳، ص ۱۶).

د- رابطه ایران و اروپا در عصر پهلوی

روابط ایران و بازار مشترک اروپا در دوران پهلوی در قالب اقتصادی جریان داشت و طرفین با امضای موافقت نامه همکاری های اقتصادی در سال ۱۹۶۳ روابط اقتصادی فیما بین را سازماندهی کردند. اعتبار این قرارداد در سال ۱۹۷۳ منقضی شد و طرف اروپایی با توجه به تحولات ایران تمایلی به تمدید قرارداد از خود نشان نداد. این موافقت نامه در نوع خود اولین قراردادی بود که بازار مشترک اروپا با یک کشور در حال توسعه منعقد می کرد. نکات مهم این موافقت نامه عبارت بودند از:

- ۱- مقادیر جزئی تخفیف در تعرفه های خارجی بازار مشترک برای واردات فرش و برخی اقلام خشکبار از ایران
- ۲- ایجاد کمیته مشترک برای نظارت بر اجرای موافقت نامه و بررسی شیوه های توسعه مبادلات بازرگانی فیما بین.

برخلاف انتظارات، کار کمیته دوام چندانی پیدا نکرد و اعمال تخفیف در تعرفه برای صادرات کالای سنتی ایران از جمله فرش نیز موجب افزایش صادرات به جامعه اروپایی نگردید.

به هر حال موافقت نامه مذکور ابتدا به مدت سه سال و سپس به مدت سالانه تا سال ۱۹۷۳ م تمدید گردید. امتیازات داده شده به صادرات غیر نفتی ایران در واقع به علت پاداش به رژیم شاه برای ایفای نقش موثر در منطقه و اهمیت تداوم صادرات نفت به اروپا بود که نمایندگان ایران نیز در مذاکرات خود با بازار مشترک بدان اشاره می کردند. (وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹، ص ۷)

طی این سال ها روابط سیاسی دو طرف شکل نهاده نداشت و در چارچوب سنتی خود یعنی مذاکره با تک تک کشورهای اروپایی دنبال می شد. در این زمان چیزی به نام اتحادیه اروپا وجود نداشت. بلکه جامعه اقتصادی اروپا از موجودیت خارجی برخوردار بود. ضمن این که با توجه به رقابت آمریکا و شوروی و حاکمیت جنگ سرد در روابط بین الملل، جامعه اروپا نمی توانست نقش فعال را در نظام بین الملل ایفا کند و بیشتر در قالب اردوگاه غرب به

رهبری آمریکا عمل می کرد. در این زمان ایران شاهنشاهی نیز در اردوگاه غرب تعریف می شد. (آهنی، ۱۳۸۲، ص ۱۳)

ه) رابطه ایران و اروپا پس از پیروزی انقلاب

از نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی این تلقی در ایران به وجود آمد که می توان با طرد روابط با قدرت آمریکا و شوروی و در راستای سیاست «نه شرقی نه غربی»، رابطه ای سالم و متوازن با اروپا را بنهاد. اینباور زمینه ساز گرایشی آرام و محتاطانه به سمت اروپا در نخستین سال های پس از پیروزی انقلاب بود. اما تفاوت دیدگاه های دو طرف نسبت به مسائل جهانی، اختلاف آن ها در سیاست خارجی و جدایی ارزش های فرهنگی و اجتماعی یکدیگر، عواملی بود که از ابتدا زمینه ساز فاصله گرفتن ایران از کشورهای اروپایی شد. این حقیقت در کنار عواملی چون جنگ ایران و عراق و حمایت گسترده دولت های اروپایی به ویژه فرانسه، انگلیس و آلمان از رژیم صدام، تلقی کشورهای اروپایی از بنیاد گرایی اسلامی و ایده «صدور انقلاب»، گروگان گیری اتباع غربی در لبنان و تصرف سفارت آمریکا در تهران، مانع از هرگونه نزدیک شدن ایران و اروپا به یکدیگر در سال های آغازین انقلاب گردید.

پایان جنگ تحمیلی، رویداد بزرگی بود که در روابط ایران و اروپا را به شدت تحت تاثیر قرار داد. «هانس دیتريش گنشر» وزیر خارجه آلمان فدرال در آبان ۱۳۶۷ و «رولان دوم» همتای فرانسوی او در بهمن همان سال به تهران آمدند. برای سفر سال بعد «میتران» رئیس جمهور فرانسه و «داگلاس هرد» وزیر خارجه انگلیس به ایران نیز برنامه ریزی هایی صورت گرفت. اما یک رشته موضوعات جدید از جمله محکومیت سلمان رشدی (بهمن ۱۳۶۷)، ترور فراریان رژیم شاه در پاریس از جمله بختیار (۱۳۷۰)، حادثه میکونوس (۱۳۷۱) و نیز تاثیر فشارهای اعمال شده از سوی آمریکا بر اروپا برای پیوستن به تحریم های اقتصادی آن کشور علیه ایران، اختلال جدی در روند روابط اروپائیان با جمهوری اسلامی ایران پدید آورد. این مشکلات از یکسو و اعتقاد بسیاری از اروپائیان ها به لزوم حفظ مناسباتی متعادل و به دور از فشارهای آمریکا با ایران پدیده های متضادی بودند که زمینه شکل گیری طرح موسوم به «گفت و گوی انتقادی» با ایران را به وجود آوردند.

پایان جنگ عراق علیه ایران و پذیرش قطعنامه ۵۹۸، رحلت امام خمینی (ره)، بازنگری قانون اساسی، انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری، خرابی های جنگ، نابودی مراکز تولید، محاصره اقتصادی و نابسامانی های اقتصادی در سطح داخلی از یک سو، فروپاشی اتحاد شوروی و گشایش ناشی از پایان جنگ سرد در سطح بین المللی (ازغندی، ۱۳۸۱، ص ۱۵) جملگی از مسائلی بودند که در دستور کار قرار گرفتن اولویت های توسعه اقتصادی کشور و سیاست عادی سازی روابط با سایر کشورها را می طلبید تا از آن طریق بتوان با جذب سرمایه گذاری های خارجی بخشی از سرمایه مورد نیاز برای بازسازی و ویرانی های جنگ را تامین نمود. برجسته ترین نمودهای عینی عادی سازی روابط را می توان در دیدارهای متعدد رییس جمهور و وزیر خارجه از کشورهای خارجی دید. آقای هاشمی رفسنجانی طی دو دوره ریاست جمهوری خود سی و سه سفر خارجی انجام داده است که معادل یک سفر در هر فصل است. در این دوره مصالحه و همزیستی با سایر ملل مورد اهتمام قرار گرفت.

مذاکرات اروپائی‌ها با ایران در سال‌های نیمه اول دهه هفتاد با وجود مخالفت امریکائی‌ها ادامه یافت تا این که صدور رأی سیاسی دادگاه برلین راجع به حادثه «میکونوس» (فروردین ۱۳۷۶) و تیره شده روابط تهران و اتحادیه اروپا سبب قطع گفتگوهای انتقادی شد. فراخوانی سفرای اروپائی از تهران و سفرای ایران از کشورهای اروپائی هفت ماه تیرگی را بر فضای روابط دو طرف حاکم کرد. با پیروزی آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۷۶، و طرح موضوع تنش زدائی در مناسبات بین‌المللی ایران، اروپائی‌ها به بحران میکونوس خاتمه دادند و سفرای خود را در پائیز این سال به تهران باز گرداندند. این رویداد موانع از سرگیری گفتگوهای دو طرف را تا حدودی رفع کرد. از تیر ماه ۱۳۷۷ دور تازه‌ای از مذاکرات ایران و اروپا آغاز شد که با گفتگوهای قبلی تفاوت اساسی داشت، یعنی مباحث سیاسی و فرهنگی در این فرآیند جایگزین محوریت اقتصاد در دوره قبل گردید. در این دوره از سیاست خارجی ایران «نحوه بیان و شیوه رفتار و برخورد با دیگران تغییر یافت و سیاست تعدیل اقتصادی و قایل شدن به توسعه صنعتی دولتی جای خود را به توسعه سیاسی داد و در روابط خارجی، پذیرش پلورالیسم جهانی به معنی نفی نظام تک قطبی و پذیرش تساوی فرهنگ‌ها به محور اصلی سیاست خارجی تبدیل شد» (ازغندی، ۱۳۸۱، ص ۱۸).

در این دوره از سیاست خارجی ایران سیاست تنش زدایی در دستور کار قرار گرفت، که بر اساس این سیاست توسل به زور در حل مسائل بین‌المللی جای خود را به توسل به شیوه‌های مسالمت آمیز از طریق گفتگوهای دوجانبه و چندجانبه می‌دهد. ضمن این که طبق این سیاست نباید اجازه داد که اختلافات ایدئولوژیکی و سلیقه‌های سیاسی بر روابط میان کشورها تاثیر گذارد. نامگذاری سال ۲۰۰۱ از سوی سازمان ملل با عنوان «گفتگوی تمدن‌ها» را می‌توان نتیجه تنش زدایی و اعتمادسازی در سیاست خارجی ایران در این دوره دانست.

«تنش زدایی در چارچوب عزت، حکمت و مصلحت، به این معناست که ایران در سیاست خارجی خود درصدد رفع سوء تفاهم‌های انباشته شده از گذشته و در تلاش جهت پایان دادن به هر نوع تنازع و کشمکش بین‌المللی است و برای تامین امنیت خود به واقعیات بین‌المللی توجه دارد» (ازغندی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴۴). جدی‌ترین بحران در سیاست خارجی ایران در این دوره، که تا کنون نیز تداوم دارد، بحث پرونده هسته‌ای ایران است.

البته اروپا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تحت فشار بی‌سابقه امریکا گفتگوهای عادی خود با ایران را «مشروط» به پیشرفت‌های ایران در زمینه مسائل مطروحه کردند. به عبارت دیگر اتحادیه اروپائی که پس از «۱۱ سپتامبر» قادر نبود مثل گذشته تحریم‌های امریکا بر ضد ایران را نادیده بگیرد، همکاری‌های تجاری خود با ایران را به مسائل سیاسی گره زد. ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا در خرداد ۱۳۸۲ با صدور بیانیه‌ای به ایران هشدار دادند که مذاکرات اتحادیه با ایران مشروط به پیشرفت این کشور در زمینه احترام به حقوق بشر، جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای، مبارزه با تروریسم و تغییر برخورد با روند صلح خاورمیانه است. این چرخش به روشنی نشان می‌داد که اتحادیه اروپا تحت تأثیر آموزه‌های جدید امریکا پس از ۱۱ سپتامبر قرار دارد. اروپائی‌ها این سیاست را کم و بیش تا پایان دوران ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی ادامه دادند. هر چند که در دوره دوم ریاست جمهوری وی موضوع تکنولوژی هسته‌ای ایران و اصرار اروپائی‌ها از بر خودداری جمهوری اسلامی از انجام تحقیقات هسته‌ای، روند مذاکرات را کندتر و اوضاع را پیچیده‌تر ساخت. (مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره‌های ۱۹۸ - ۱۹۷)

دولت آقای احمدی نژاد با رویکرد احیای ارزش ها و اصول اسلامی و انقلابی در عرصه های مختلف کشور به میدان آمد و همین رویکرد و تفکر، بر تمامی عملکرد دولت حاکم بوده و تاثیرات قابل توجهی را بر کشور به همراه داشته است. مساله هسته ای ایران، افزایش فشارهای بین المللی در این مورد بازرسی های متعدد نمایندگان آژانس از مراکز فعال در امر فرآوری هسته ای در کشور را می توان یکی از آن عوامل دانست. به طوری که آقای احمدی نژاد بارها در سخنرانی های خود از عقب نشینی ها و سیاست مماشات آقای خاتمی در این مورد انتقاد کرده و بر حقوق هسته ای کشور پافشاری نموده اند. در همین راستا شاهد تعلیق کلیه همکاری های داوطلبانه هسته ای و ایستادگی بر حقوق هسته ای هستیم که سه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم هایی برای کشور را تا کنون به دنبال داشته است. همچنین تحریم های یکجانبه آمریکا و به تبعه آن اروپا، علیه ایران بوده ایم.

در کنار آن آقای احمدی نژاد بارها مساله محو اسرائیل را در سخنرانی های رسمی داخلی و بین المللی خود از جمله در سازمان ملل متحد و حتی در کنفرانس بین المللی سازمان خواروبار و کشاورزی جهان (فائو) مورد تاکید قرار داده است. حمایت از جنبش حماس و حزب ا... لبنان هم در این راستا کاملاً جای خود را در دیالوگ ها و سخنرانی های رسمی ریاست جمهوری و سایر مقامات اجرایی باز کرده است. این مسائل و بحث حقوق بشر نیز از جمله عوامل تنش زا در روابط ایران و اروپا در این دوره است.

تأثیر ژئوپولیتیک نوین اروپا بر سیاست خارجی ایران:

بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران، اتحادیه اروپایی در پی استمرار همکاری های اقتصادی بود. ایران و اروپا به دلیل پیشینه تاریخی و مزیت هایی که در روابط آن ها وجود داشت، به استمرار روابط اقتصادی تمایل داشتند و به همین جهت به رغم برخی اختلاف نظرها، بیشترین مناسبات اقتصادی و تجاری کشورمان با اعضای قدرتمند این قاره رقم خورد. چهار ماه پس از پیروزی انقلاب هیاتی از سوی دولت موقت با اعضای جامعه اروپایی دیدار کردند که طی این ملاقات، موافقت به عمل آمد به منظور تعیین حوزه های علائق ایران و جامعه اروپایی، مذاکرات جدی صورت گیرد. متعاقب سفر مذکور هیاتی از جانب کمیسیون اروپا در اکتبر ۱۹۷۹ به تهران آمد که دستاورد چندانی به همراه نداشت. به دنبال عدم موفقیت این دیدار، جامعه اروپا امتیازات واگذار شده به برخی از اقلام صادراتی ایران را محدود و یا لغو نمود و برقراری آن را موقوف به درخواست رسمی ایران و انجام مذاکرات مجدد دانست.

در سال ۱۳۷۱ سران ۱۲ کشور عضو اتحادیه اروپا نشست مشترک خود را در «ادینبورگ» انگلستان با هدف ایجاد هماهنگی در نوع روابط آتی با ایران تشکیل دادند. در پایان این نشست که در زمان ریاست دوره ای انگلیس بر اتحادیه اروپا برگزار شد. بیانیه ای انتشار یافت که در آن بر لزوم انجام یک رشته «گفتگوهای انتقادی» مستمر با ایران تأکید شده بود. در این بیانیه چنین آمده است:

«با توجه به اهمیت ایران در منطقه، شورای اروپایی اعتقاد خود را بر لزوم حفظ یک گفتگو با دولت ایران تأیید نمود. این گفتگو باید انتقادی بوده و در برگیرنده نگرانی های منبعث از رفتار ایران باشد. در این گفتگو ما باید خواستار بهبود برخی از مسائل، خصوصاً مسائل مربوط به حقوق بشر، مجازات مرگ نویسنده سلمان رشدی که به دنبال فتوای آیت الله خمینی (ره) صادر شده و خلاف حقوق بین الملل می باشد و همچنین مسائل مربوط به تروریسم باشیم. بهبود در این زمینه ها برای تعیین این که در چه مقیاسی روابط بسیار نزدیک و سرشار از اعتماد باید برقرار

شود، دارای اهمیت است. شورای اروپایی می‌پذیرد که هر کشوری حق دستیابی به وسایل دفاع از خود را دارد، ولی مایل است که سلاح‌های خریداری شده توسط ایران، ثبات منطقه را دچار تهدید ننماید. نظر به اهمیت اساسی روند صلح خاورمیانه، شورای اروپایی از ایران درخواست می‌کند رفتار سازنده‌ای در این رابطه در پیش گیرد. «در پاسخ به این بیانیه که اولین تقاضای رسمی برای انجام گفتگوهای انتقادی بین ایران و اروپا بود، آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت ایران در تاریخ دوم اسفند ۱۳۷۱ پیامی خطاب به یک یک سران کشورهای عضو اتحادیه اروپایی صادر نمود. در سال ۱۳۷۲ نخست وزیر دانمارک به عنوان رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپایی در جواب پیام آقای رفسنجانی نامه‌ای ارسال داشت، در این نامه ضمن استقبال از تبادل نظر طرفین چنین ابراز شد:

«جامعه و دولت‌های عضو آن همچنان بیشترین اهمیت را به یک گفتگوی سازنده و همه‌جانبه و عاری از هرگونه مجادله عمومی با جمهوری اسلامی ایران می‌دهند.» مذاکرات اروپایی‌ها با ایران در سال‌های نیمه اول دهه هفتاد با وجود مخالفت امریکائی‌ها ادامه یافت تا این که صدور رأی سیاسی دادگاه برلین راجع به حادثه «میکونوس» (فروردین ۱۳۷۶) و تیره شده روابط تهران و اتحادیه اروپا سبب قطع گفتگوهای انتقادی شد.

با پیروزی آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۷۶ و طرح موضوع تنش زدائی در مناسبات بین‌المللی ایران از تیر ماه ۱۳۷۷ دور تازه‌ای از مذاکرات ایران و اروپا آغاز شد و اساسی‌ترین مسئله بحران هسته‌ای است. وزیران امور خارجه انگلیس، فرانسه و آلمان (تروییکای اروپای) بعد از اطلاع یافتن از فعالیت‌های هسته‌ای ایران خواستار توقف کامل آن شدند، و ایران را به همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دعوت نمودند. از این هنگام مذاکره با سه کشور اروپایی و آژانس به صورت دو بال دیپلماسی هسته‌ای درآمد. این مساله در دوره آقای خاتمی بدین گونه تداوم یافت که دولت برای اثبات همکاری خود با آژانس پروتکل الحاقی به NPT را امضاء کرد. در زمینه مذاکرات با تروییکای اروپایی نیز توافقنامه پاریس برای تبادل تضمین‌های متقابل به امضاء رسید. (بعیدی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۲۰۴) لکن این مذاکرات کمکی به حل موضوع نکرد و فقط آن را مشمول مرور زمان کرد. نخستین دور مذاکرات رسمی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در تاریخ ۲۱ آذرماه ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) در بروکسل برگزار شد و دومین دور آن بهمن ۱۳۸۱ در تهران برگزار گردید. تا پایان تیرماه ۱۳۸۴، هشت دور مذاکره میان ایران و اتحادیه اروپا شکل گرفت و پیرامون ساختار موافقت‌نامه شامل مقدمه، بخش تجارت، سرمایه‌گذاری و ... موضوعات محتوایی مورد علاقه طرفین بحث و تبادل نظر شد و طرفین در خصوص ساختار کلی موافقت‌نامه و همچنین برخی از موضوعات اساسی در بخش تعرفه و تجارت به توافق رسیدند. (گروه مطالعات و پژوهش‌های بازار مشترک اسلامی، ۱۳۸۶) البته پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مثل گذشته نتوانست تحریم‌های امریکا بر ضد ایران را نادیده بگیرد و بار دیگر همکاری‌های تجاری خود با ایران را به مسائل سیاسی گره زد.

اتحادیه اروپا از ۲۷ فوریه سال ۲۰۰۷ و در پیروی از قطعنامه شورای امنیت، اقدام به اعمال برخی محدودیت‌ها در ارسال قطعات، تجهیزات و فناوری‌هایی به ایران کرد که می‌توانست در گسترش فناوری‌های موشکی و هسته‌ای کاربرد داشته باشد. این محدودیت‌ها در سال‌های بعد گسترش یافت و تجهیزات و فناوری‌های مورد تحریم بیشتری را شامل گردید. وضع این تحریم‌ها توسط اروپا بصورت یکجانبه تاکنون نیز ادامه دارد. آن‌چه در خصوص رابطه سیاسی اروپای متحد و ایران حداقل می‌توان مشاهده کرد تصمیمات جمعی اعضای این اتحادیه و هماهنگی بیشتر

در اعمال سیاست های اتخاذ شده برای تحت فشار قرار دادن کشورمان می باشد، نمادین ترین نمونه آن اعمال تحریم های اقتصادی یکجانبه علیه ایران است. این تحریم ها روابط ایران با برخی از کشورهای اروپایی که از شرکای اصلی تجاری ایران بوده اند را بشدت تحت تاثیر قرار داده است و حتی در برخی از موارد تا قطع همکاری ها پیش رفته است.

نتیجه گیری:

روابط سیاسی ایران و اتحادیه اروپا پس از انقلاب فرازونشیب زیادی را داشته است. دوره بدون گفتگو که ایران با برخی از کشورهای اروپایی بصورت مجزا و مستقل رابطه داشت، دوره گفتگوهای انتقادی، قطع ارتباط و خاتمه گفتگوهای انتقادی و خروج سفرای اروپایی از تهران و دوران گفتگوهای سازنده، تنش زدایی و در حال حاضر نیز سیاست تهاجمی، تقابلی و بر مبنای پرسش گریکه هر کدام از مقاطع یاد شده همراه با تحولات و چالش های گوناگون و همزمان با روی کار آمدن یکی از دولت های پس از انقلاب است.

برخی از این چالش ها که در این سال ها بر روابط دو طرف سایه افکنده است عبارتند از: «ادعای حمایت ایران از تروریسم، اشاعه سلاح های کشتار جمعی، اخلال در روند صلح خاورمیانه و وضعیت نامساعد حقوق بشر» این چالش ها به ویژه بحران هسته ای، پس از واقعه ۱۱ سپتامبر حادثه و تأثیر آن بر روابط دو جانبه افزون تر شده و روابط ایران و اروپا را کاهش داده است. اتحادیه همچنین با نزدیکی سیاست های خود به آمریکا و ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت و تصویب قطعنامه های تحریمی و غیر تحریمی در این شورا، ایران را تحت فشار قرار داده و در حال حاضر شاهد پایین ترین سطح رابطه با اتحادیه طی ۲ دهه اخیر هستیم. ارزیابی روابط فیما بین نشان می دهد که این روابط استعداد این را دارد تا در هر زمانی که موضوع و یا اختلاف نظری سر راه آن پدید آید، معلق، کند و یا حتی متوقف شود، تا جایی که حتی مسائل داخلی ایران توان بسیار زیادی در متأثر کردن این روابط دارد. با روی کار آمدن دولت نهم در ایران، فضای روابط با اتحادیه اروپایی بسیار سرد و دشوار شد. مسائلی چون هولوکاست که در اروپا بصورت یک تابو در آمده و اظهارات مکرر ریاست جمهوری در این رابطه و در خصوص مسئولیت کشورهای اروپایی و آمریکا در قبال ایجاد دولت نامشروع اسرائیل و اشغال سرزمین فلسطینیان، حمایت از سازمان های فلسطینی مثل حماس و جهاد اسلامی، به این فضای سخت دامن زد. از طرفی تغییر کردن نوع و فضای گفتگو با کشورهای گروه ۵+۱ و کشورهای اروپایی بر این شرایط دشوار تاثیر منفی گذاشت. در دوران دولت نهم روابط سیاسی و اقتصادی طرفین به نحو بارزی کاهش یافت. تبادل هیات ها و رفت و آمدهای دیپلماتیک در حداقل خود قرار گرفت و ما دیگر شاهد سفرهای سیاسی و اقتصادی در سطح روسای کشورها و حتی وزرای خارجه و یا وزرای اقتصادی به پایتخت های یکدیگر نبودیم. در این مقطع و تا حال حاضر فضای روابط فیما بین در پایین ترین سطح سیاسی و دیپلماتیک خود قرار دارد. بنابراین هر دو فرضیه موجود در تحقیق اثبات می گردد، یعنی از زمان شکل گیری اتحادیه اروپا روابط جمهوری اسلامی در زمینه ی سیاسی با این اتحادیه از حساسیت بیشتری برخوردار گردیده و به همین دلیل فراز و نشیب بیشتری را در این روابط شاهد هستیم و منازعه بر سر گسترش سلاح های کشتار جمعی، ادعاهای اتحادیه اروپا مبنی بر دخالت در کشورهای منطقه توسط ایران، حقوق بشر و صلح اعراب و اسرائیل مهمترین عوامل اختلاف دو طرف به حساب می آید.

منابع:

- ۱- آهنی، علی (۱۳۸۲): روند شکل گیری اتحادیه اروپایی و روابط جمهوری اسلامی ایران و اروپا، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه.
- ۲- اتحادیه، منصوره (۱۳۵۳): گوشه هایی از روابط خارجی ایران (۱۲۰۰-۱۲۸۰ق)، نشر آگاه
- ۳- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱): سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر قومس
- ۴- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۸): تنش زدایی در سیاست خارجی: مورد جمهوری اسلامی ایران ۷۸-۱۳۶۷: فصلنامه سیاست خارجی سال سیزدهم، زمستان
- ۵- ایزدی، بیژن (۱۳۷۱): سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۶- بعیدی نژاد، حمید (۱۳۸۴): سیاست هسته ای خاتمی. فصلنامه سیاست خارجی، سال نوزدهم، بهار
- ۷- بهزادی، حمید (۱۳۶۸): اصول روابط بین الملل و سیاست خارجی، تهران، نشر دهخدا
- ۸- پورهایمی، سیدعباس اتحادیه کشورهای اسلامی، عوامل بازدارنده و راهکارهای پیشبرد، مجلات پگاه حوزه شماره ۱۷۴
- ۹- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۵): در جستجوی افق های جدید در سیاست خارجی ایران: «سیاست نگاه به شرق»، پژوهشنامه رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. مرکز تحقیقات استراتژیک: معاونت پژوهش های سیاست خارجی، شماره ۵
- ۱۰- زنگنه، حمید (۱۳۸۹): اتحادیه اروپا از معاهده نیس تا معاهده لیسبون، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- ۱۱- سی. پلینوو، جک، آلتون روی (۱۳۷۵): فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه حسن پستا، نشر فرهنگ معاصر
- ۱۲- شعبانی، رضا (۱۳۶۹): تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، نشر نوین
- ۱۳- طباطبایی، محمد (۱۳۶۷): تطوّر حکومت در ایران بعد از اسلام، نشر بعثت
- ۱۴- قاسمی، حسن (۱۳۷۱): اروپای واحد از دیدگاه بازاریابی، نشر دانشگاه علامه طباطبائی
- ۱۵- کندی، پال، (۱۳۷۱): ظهور و سقوط قدرتهای بزرگ، ترجمه محمد قائد شرقی و دیگران، نشر آموزش انقلاب اسلامی تهران.
- ۱۶- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰): تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، (جلد یکم)، نشر دانشگاه تهران.
- ۱۷- مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره های ۱۹۸ - ۱۹۷
- ۱۸- منصور، جواد (۱۳۶۵): نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر امیرکبیر،
- ۱۹- ندایی، عبدالحسین (۱۳۵۶): کریم خان زند، نشر شرکت سهامی
- ۲۰- وارندورف، رالف (۱۳۷۰): ژرف نگری در انقلاب اروپا، ترجمه: هوشنگ لاهوتی، نشر اطلاعات،